

بررسی و تحلیل ساختمان نحوی جملات داستان «آفتاب لب بام» جلال آل احمد



علی عزیزی، محتشم محمدی

چکیده

این پژوهش به بررسی ساختار نحوی جملات داستان «آفتاب لب بام» از مجموعه داستان‌های سه تار جلال آل احمد پرداخته است. روش تحقیق به صورت کتابخانه‌ای صورت پذیرفته و تعاریف مفهومی این پژوهش بر مبنای دستور زبان انوری می‌باشد و نتایج نیز به صورت توصیفی و تحلیلی ارائه شده است. آل احمد، در نگارش داستان‌های خود جمله‌بندی منحصر به فردی دارد. نوع جملاتی که ایشان انتخاب کرده است، هماهنگ با ژانر اجتماعی و رئال داستان است. سبک جمله‌بندی ایشان، نوعی نگارش و شیوه داستان نویسی است. جملات به صورت فشرده و گویا، کوتاه و رسا و بیشتر مستقل است. هرچند که از جملات طولانی نیز استفاده شده است. جملات بیشتر زبان معیار و رسمی دارد ولی در دیالوگ شخصیت‌ها محاوره‌ای می‌شود. از جملات کنایی و ضرب‌المثل استفاده نشده است.

واژگان کلیدی: آل احمد، سه تار، ساختار نحوی، جملات رسمی، محاوره و معیار.

جملات بیشتر دارای زمان گذشته بوده و جملات کوتاه دارای بسامد بیشتری نسبت به بقیه جملات است. به دلیل انتخاب جملات کوتاه، ضرب آهنگی تند را به شنونده القا می‌کند. بسامد جملات دستورمند از جملات نادستورمند بیشتر است. جملات این داستان دارای سبکی مقطع و گسسته‌اند و به صورت متوالی و مستقل در کنار یکدیگر قرار گرفته‌اند. همه جملات خبری در کنار یکدیگر حامل اندیشه و تفکر نویسنده داستان است.

۱- مقدمه

جهان بینی، دیدگاه، تفکر و نگارش هر نویسنده‌ای متفاوت از دیگری و منحصر به آن نویسنده است. این پژوهش در پی یافتن مؤلفه‌های جمله بندی آل‌احمد است. «بخشی از فردیت مؤلف از طریق کشف نحو شخصی و صدای دستوری متن، قابل شناسایی است» (فتوحی، ۱۳۹۱: ۲۷۳). آل‌احمد، از داستان نویسان برجسته معاصر است که در داستان‌هایش به نقد اجتماعی می‌پردازد. ایشان در طرح مسائل اجتماعی، نقد و نکوهش بعضی عقاید جامعه خود، موضع‌گیری کرده و در پاره‌ای از داستان‌هایش به این مسائل پرداخته است. «راهنمایی‌ها و تشخیص درد را باید از فراروند علم و دانش اجتماعی دریافت کرد، و در دگرگونی‌های جامعه و غنای فرهنگ کوشید. ولی برای رسیدن به این پایگاه، هنرمندانی چون «آل‌احمد» با همان نگرش کم و بیش فردگرایانه خود در قالب انتقادهای جاندار، نیز سهمی دارند و این سهم را نباید انکار کرد» (دستغیب، ۱۳۷۱: ۲۴۱). «او از داستان و قالب داستانی بهره برد تا اندیشه و آراء شخصی خود را بدون کوچک‌ترین ترس و واهمه‌ای مطرح سازد» (پارسی نژاد، ۱۳۸۹: ۱۹۳).

داستان «آفتاب لب بام»، نکوهش و نقد زشتی‌های اخلاقی و عادات مذهبی بعضی از مقدس‌نماها است که از دین فقط به ظواهر بسنده می‌کنند و جز ظاهر چیزی نمی‌دانند و نیز نقد پسر سالاری و بی‌ارزش دانستن دختر است. آل‌احمد، «می‌کوشد زندگانی آندوهبار مردم ژرفا، و نادانی‌ها و خرافات را تصویر کند» (دستغیب، ۱۳۷۱: ۳۰). در داستان «آفتاب لب بام» پدر نقش حاکمی بی‌منطق دارد که بی‌توجه به تشنگی و روزه بودن دختران خردسال، به آن‌ها دستور انجام

کارها را می‌دهد. پیام این داستان به طور کلی نقد رفتارهای غیراخلاقی بعضی از مقدس‌نماهای جامعه است. زن در حاشیه و بی‌سهم از زندگی و در جامعه قرار دارد. این داستان از نوع رئالیسم اجتماعی است که می‌توان آن را انعکاس تحقیر زن در جامعه عصر جلال آل‌احمد دانست.

۱-۱- بیان مسأله

عبدالعلی دستغیب در دسته‌بندی سبکی نوشته‌های جلال، دو دوره را مطرح می‌کند؛ «سه تار» در دسته‌بندی دوره اول قرار می‌گیرد. «در این دوره سبک آل‌احمد امتیازی و ویژه ندارد. تعابیر کلیشه‌ای به کار می‌برد، گرچه روشن و گیرا می‌نویسد ولی در ترکیب جمله‌ها اثری از آفرینشگری هنری ممتازی ندارد» (دستغیب، ۱۳۷۱: ۲۴۱). بخشی از عقاید خود را در داستان‌هایش بیان می‌کند. ایشان در داستان‌های خود از شیوه جمله‌بندی‌ای که منحصر به فرد است بهره می‌گیرد. سبک داستان‌نویسی ایشان تا حدودی متأثر از نوع جمله‌بندی‌های ایشان است. «اساس سخن بر جمله نهاده شده است. انسان افکار و مقاصد خود را به وسیله جمله بیان می‌کند» (علامه فلسفی، ۱۳۸۱: ۲۷۵). «هرکدام از سبک‌ها و ژانرهای ادبی، الگوهای دستوری مشخصی را برمی‌گزینند» (فتوحی، ۱۳۹۱: ۲۸۴). بیان و زبان جملات داستان نیاز به گزینش نوع خاصی از جملات دارد و ما در این پژوهش در پی رسیدن به زبان جملات او هستیم چرا که ساختار جملات نویسندگان موفق ما خوب تعقیب نشده است. جمله، «مجموعه کلماتی است که مقصودی را می‌رساند و به عبارت دیگر مجموعه کلماتی است که متضمن اسناد باشد» (انوری و ...، ۱۳۸۵: ۳۰). و همچنین «جمله به آن واحد زبان فارسی گفته می‌شود که از یک بند یا بیشتر ساخته شده باشد» (باطنی، ۱۳۴۸: ۶۰). این پژوهش در پی پاسخگویی به سؤالات زیر است: ساختار و ساختمان جملات داستان چگونه است؟ و بیشتر از کدام نوع جملات استفاده شده است؟ آیا نویسنده در کاربرد و استفاده از جملات موفق بوده است؟

از جمله پژوهش‌هایی که در مورد نثر و سبک داستان‌های جلال آل‌احمد صورت گرفته است: کتاب نقد آثار جلال آل‌احمد اثر عبدالعلی دستغیب می‌باشد. ایشان در این اثر به نقد و بررسی سبک جلال آل‌احمد می‌پردازد.

شاخصه‌های سبکی نثر جلال آل‌احمد، (۱۳۹۳)، دانشگاه شهیدباهنر کرمان، ابراهیم درویش کوهی و دکتر محمدصادق بصیری. این تحقیق به بررسی ویژگی‌های سبکی ژورنالیستی و تک‌گویی جلال پرداخته و سعی در بازشناسی ویژگی‌های سبکی جلال آل‌احمد دارد.

مقایسه زبان زنان در آثار سیمین دانشور و جلال آل‌احمد، (۱۳۹۱)، یدالله بهمنی مطلق، نرگس باقری. فصلنامه زن و فرهنگ. سال دوم، شماره یازدهم، صص ۴۳-۵۹. این پژوهش به بررسی ویژگی‌های زبان زنان در آثار «سیمین دانشور» می‌پردازد. سپس آن‌ها را با زبان زنان در آثار «جلال آل‌احمد» مقایسه می‌کند و نشان می‌دهد که جملات، کلمات، نوع نگاه به زندگی و... منعکس‌کننده این مؤلفه‌هاست و آثار مردان با زنان تفاوت دارد.

بررسی سیر تطور در نثر جلال آل‌احمد، زمستان، (۱۳۸۹)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه قم، پژوهش زیبا خوشنویس. این پژوهش به بررسی سیر تحول در نثر آل‌احمد می‌پردازد و همچنین به تأثیر و بازتاب تحولات فکری آل‌احمد بر شیوه نویسندگی‌اش می‌پردازد.

بررسی روان‌شناختی شخصیت جلال آل‌احمد بر اساس ساختار دستوری در آثار وی، (۱۳۹۵)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه مازندران، پژوهش و تحقیق زهرا پور محمد حسین. این پژوهش با دیدگاه نقد روانشناسانه و با نگاهی رفتارگرا در پی تحلیل شخصیت و روانشناسی آل‌احمد بر اساس دستور زبان حاکم بر آثار او است.

علی پورگسگری، بهناز. (۱۳۸۹). «اندیشه‌های جلال آل‌احمد در آینه

داستان‌هایش؛ کتاب ماه ادبیات؛ شماره ۴۴ (پیاپی ۱۵۸). این پژوهش با اتکاء به متن و ساختار داستان‌های او، به تحلیل شخصیت مؤلف و ردیابی سیر تحول اندیشگی و مهم‌تر از آن، ردگیری استمرار اندیشه آل‌احمد و آزمون و خطاهایی از این دست پرداخته است.

سبک‌شناسی زبانی داستان‌های کوتاه جلال‌آل‌احمد، نویسنده حسین رضویان، «مطالعات زبانی بلاغی»، سال پنجم بهار و تابستان (۱۳۹۳)، شماره نهم، ۱۳۱-۱۴۶. ایشان در این مقاله به بررسی سطوح مختلف سه‌گانه نحوی، واژگانی و آوایی پرداخته است. از جمله یافته‌های سطح نحوی ایشان، استفاده فراوان از جملات مرکب و معلوم نسبت به جملات ساده و مجهول است.

هیچ کدام از داستان‌های ایشان از نظر جمله بندی مورد پژوهش علمی قرار نگرفته است. و این پژوهش موضوعی بدیع می‌باشد.

۱-۳- ضرورت پژوهش

این پژوهش به بررسی ساختار دستوری جملات داستان «آفتاب لب‌بام» جلال آل‌احمد می‌پردازد؛ چراکه ساختار نحوی جملات نویسندگان موفق ما خوب تعقیب نشده است.

۲- روایت داستان

شخصیت‌های داستان عبارت‌اند از: پدر و مادر، صغری، کبری. آل‌احمد در این داستان از تکنیک تغافل استفاده کرده است؛ به گونه‌ای که مخاطب بقیه داستان را نمی‌تواند حدس بزند. او به توصیف واقعی فضا و یا صحنه سازی می‌پردازد و از تخیل و یا صحنه پردازی‌های بی‌جا پرهیز می‌کند. زن نیز مؤلفه‌ای است از جنس اجتماع و خانواده که مورد ستم قدرت برتر خانه و خانواده و نادانی‌ها قرار گرفته است. نداشتن فرزند پسر، دردی از زنان جامعه آل‌احمد است که پاره‌ای از فلاکت و بدبختی و سرخوردگی خود را در نداشتن فرزند پسر می‌دانند. آل‌احمد

آنچه که می‌بیند، روایت می‌کند. «جلال در آثار داستانی و غیر داستانی‌اش همواره سعی کرد ژرفا را بکاود و تلاطم‌های جامعه ایران را نشان دهد» (پارسی نژاد، ۱۳۸۹: ۱۹۳). خود او خالق و راوی داستان‌هایش است. بزرگ علوی هم در مورد جلال می‌گوید: «من عقیده‌ام این است که او همیشه مسأله‌ای را جلوی خودش گذاشته و بعد داستانش را در اطراف این مسأله نوشته است» (دهباشی، ۱۳۷۸: ۴۸). این داستان در حقیقت بازگوکننده نوع جهان‌بینی نویسنده و راوی داستان است. لحن جملات داستان، معیار اما لحن گفت‌وگوی شخصیت‌ها عادی و بدون تکلف است. ولی آنجا که به گفت‌وگوی شخصیت‌ها می‌رسد، لحن به صورت محاوره‌ای می‌شود. تداوم زمانی از گذشته به حال است و شکست زمانی و یا بازگشت زمانی در داستان رخ نمی‌دهد. او به ذهن خوانی شخصیت‌های داستان نمی‌پردازد و جمله‌ای نیز در داستان که حاکی از ذهن خوانی شخصیت‌ها باشد وجود ندارد.

۳- بررسی، تحلیل و بسامد انواع جملات

۳-۱- بررسی جملات

جملات بیشتر از نوع کوتاه و به صورت تند و پشت سر هم بیان می‌شود. از جملات بلند کم‌تر استفاده شده است. بسامد جملات بیشتر از نوع فعل ماضی است. از فعل‌های آینده کم‌تر استفاده شده است و کوتاهی جملات، بیشتر ضرب‌آهنگ تندی را القا می‌کند. «این داستان به لحاظ تفاوت گفتار زنان و مردان قابل توجه است. شخصیت‌های داستان پدر، دو دختر و مادر هستند. گفتارهای پدر وجه دستوری و آمرانه دارد. گفتار مادر اما همدلانه است و با حرکات او درهم می‌آمیزد و مکمل یکدیگر می‌شوند» (بهمنی مطلق و...، ۱۳۹۱: ۵۹-۴۳).

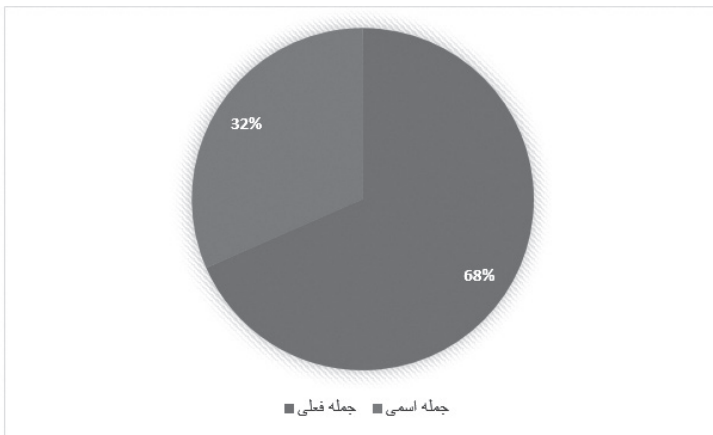
۳-۲- جایگاه و ترتیب اجزاء جمله در داستان

در این داستان ترتیب اجزاء جمله تا حدود زیادی رعایت شده است و کم‌تر شاهد به هم ریختن اجزاء و ترتیب جملات هستیم. نهاد همیشه در ابتدا قرار گرفته و فعل

به طور ثابت در انتهای جملات قرار می‌گیرد و سایر اجزاء نیز در جملات بین نهاد و گزاره قرار می‌گیرد.

۳-۳- جمله اسمی و فعلی

«در هر جمله‌ای دست کم باید سه کلمه باشد: مسند الیه، مسند و رابطه. و آن را جمله‌ی اسمی گویند» (انوری و.. ۱۳۸۵: ۳۰۰). «گاهی يك کلمه یعنی فعل، جای مسند و رابطه را می‌گیرد و جمله از دو کلمه، یعنی فعل و فاعل تشکیل می‌یابد و آن را جمله‌ی فعلی نامند» (انوری و.. ۱۳۸۵: ۳۰۰). جملات فعلی در این داستان بسامد بیشتری دارد و از جملات اسمی کم‌تر استفاده شده است و فراوانی کم‌تری دارد. جملات اسمی ۳۱٫۵۷٪؛ جملات فعلی ۶۸٫۴۲٪



نمودار ۳-۳- بسامد جمله‌های اسمی و فعلی

۳-۴- جملات ندایی

جملات ندایی در این داستان هم با حرف ندا به کار رفته است و هم بدون حرف ندا استعمال شده است. «صغرا، پاشو برو یخ بگیر!» (آل احمد، ۱۳۹۰: ۶۸). «ایش خدایا!» (همان: ۶۸) که يك نوع شبه‌جمله و جمله بدون فعل است. [ژرف ساخت]: خدایا! ببین دارد ظلم می‌کند.



«ایش...ش» (همان: ۶۷). [ژرف ساخت]: خسته شدم و داری سخت می گیری.

از جمله اصوات به کار رفته عبارت‌اند از: «گُرپ، ایش، فیش» است.

«صغرا، پاشو برو یخ بگیر!» (همان: ۶۸). (منادا و حذف به قرینه معنوی رخ داده است و در ژرف ساخت این گونه است که صغرا با تو هستم).

۳-۵- جملات قرآنی و دعایی

جملات در داستان دوبار تکرار نشده است. در این داستان فقط از این دو جمله عربی و قرآنی استفاده شده است. که آن دو جمله عبارت‌اند از: «الله أكبر» (همان: ۷۰). «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» (همان: ۶۷).

۳-۶- جملات کامل کوتاه

جملات در داستان بیشتر به صورت کوتاه است درحالی که از جملات بلند به صورت انگشت شمار استفاده شده است. جملات کوتاه پشت سرهم قرار گرفته و ضرب آهنگی تند را به ذهن مخاطب القا می‌کند. جملات يك کلمه‌ای در متن داستان در دیالوگ‌های شخصیت‌ها و منادا وجود دارد و فراوانی اندکی دارد و بیشترین بسامد مربوط به جملاتی است که نهاد و گزاره دارد و یا اینکه جمله‌ی اسمی است و از مسندالیه و مسند و فعل اسنادی تشکیل شده است. سیمین دانشور همسر جلال آل‌احمد در مورد او می‌گوید: «جلال در نوشته‌هایش تلگرافی، حساس، دقیق، تیزبین، خشمگین، افراطی، خشن، صریح، صمیمی، منزله طلب، و حادثه آفرین است» (دهباشی، ۱۳۷۸: ۷۲).

مثال: «بتول! برو زنبیلو وردار بیار» (آل‌احمد، ۱۳۹۰: ۶۹). که جملات کوتاه و پشت سر هم است.

«آمد توی اتاق» (همان: ۶۵). «آن را دوباره بست» (همان: ۶۵). «تسبیح را به دست گرفت» (همان: ۶۵). «بر می‌داشت و با خود می‌برد» (همان: ۶۹).

«ایش ... ش ...» (صوت است و شبه جمله است که ژرف ساخت آن [داری ظلم می‌کنی و من ناراحت هستم]).

«پاشو برو یخ بگیر» (همان: ۶۸). (جملات خیلی کوتاه است و فقط با يك فعل بیان شده است که به آن جمله تك‌واژی می‌گویند).

۳-۷- جملات معمولی

جملات معمولی مثل: «بیش از يك ساعت به غروب نمانده بود» (همان: ۶۵). «پدر هنوز اقامه‌اش را نگفته بود» (همان: ۶۷). «مادر، يك چند دقیقه کار بافتنی‌اش را کنار گذاشت» (همان: ۶۹).

۳-۸- جملات بلند

جملات بلند انگشت شمار است و فراوانی اندکی دارد. مثل: «بچه‌ها، دو تا دختر، یکی ده دوازده ساله و دیگری کوچک‌تر، توی ایوان روبروی مادرشان به دیوار تکیه داده بودند و از حال رفته بودند» (آل‌احمد، ۱۳۹۰: ۶۶). «و نگاه چشمشان به دست مادرشان که هنوز قوت داشت و میله‌ها را تند بالا و پایین می‌برد، دوخته شده بود» (همان: ۶۶).

جملات کوتاه نسبت به جملات متوسط و بلند، بسامد و فراوانی بیشتری دارد و جملات بلند نسبت به دو نوع دیگر انگشت شمار است و چندین مورد بیشتر در داستان یافت نمی‌شود.

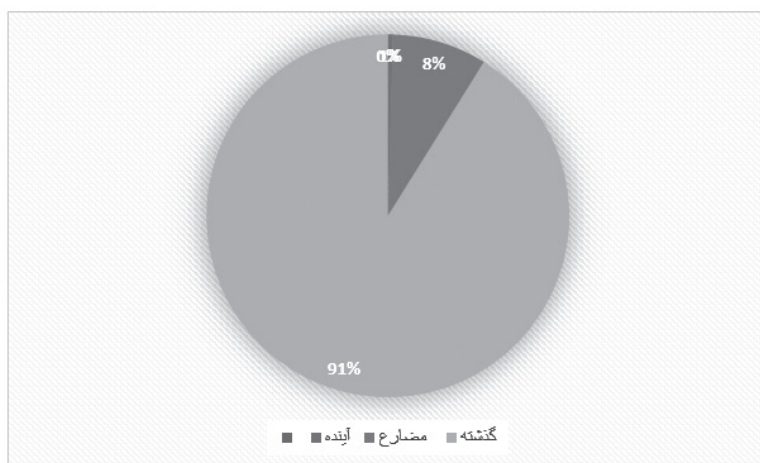
۳-۹- زمان جملات

جملات دارای زمان گذشته بسامد بیشتری نسبت به زمان مضارع داشته و زمان حال نیز بسامد بیشتری نسبت به زمان آینده دارد.

زمان گذشته ۹۱,۱٪؛ زمان مضارع ۸,۴۳٪؛ زمان آینده ۰,۴۶٪

جدول ۳-۹- فراوانی زمان جملات داستان آفتاب لب بام

کل	زمان آینده	زمان مضارع	زمان گذشته
۴۲۷	۲	۳۶	۳۸۹



نمودار ۳-۹- بسامد زمان جملات

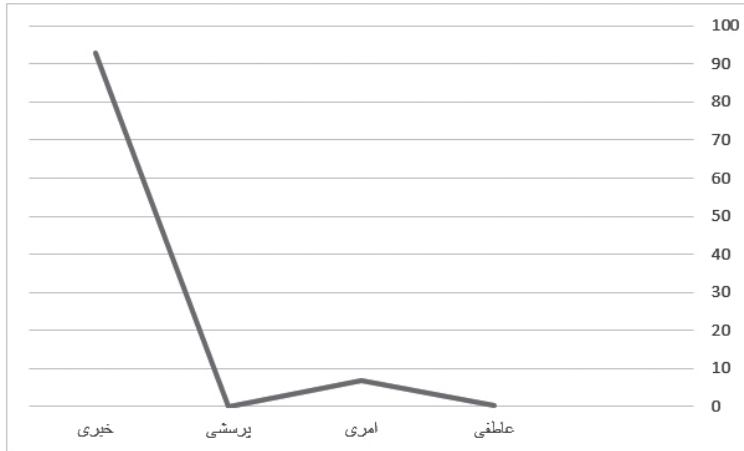
۳-۱۰- انواع جملات

خبری: جملات این داستان بیشتر از نوع جملات خبری است.

امری: بسامد کم‌تری نسبت به جملات خبری دارد و از جملات عاطفی و پرسشی بیشتر استفاده شده است.

پرسشی و عاطفی: جملات پرسشی در داستان وجود ندارد. ولی جملات عاطفی چند مورد انگشت شمار به کار رفته است. جملات عاطفی موجود، نفرین و بدگویی است و از احساس و عاطفه که نشانی از صمیمیت رابطه‌ها باشد خبری نیست. «شبه

جمله‌ها مفهوم عاطفی دارند» (رضائی، ۱۳۹۲: ۱۵۶). جملات این داستان چنان سریع بیان می‌شود که گویی جملات بریده بریده‌اند. جملات خبری ۹۲٫۹۰٪؛ جملات امری ۶٫۷٪؛ جملات عاطفی ۳۳٪.



نمودار ۳-۱۰- بسامد جملات خبری، عاطفی، پرسشی و امری

وجه اخباری، «هرگاه گوینده بخواهد از وقوع کاری یا اسنادی به طور قطع و یقین خبر دهد، فعل جمله را از وجه اخباری می‌آورد» (ارژنگ، ۱۳۷۴: ۱۴۲). جملات این داستان بیشتر دارای وجه خبری می‌باشد.

۳-۱۱- جملات دستورمند (مستقیم):

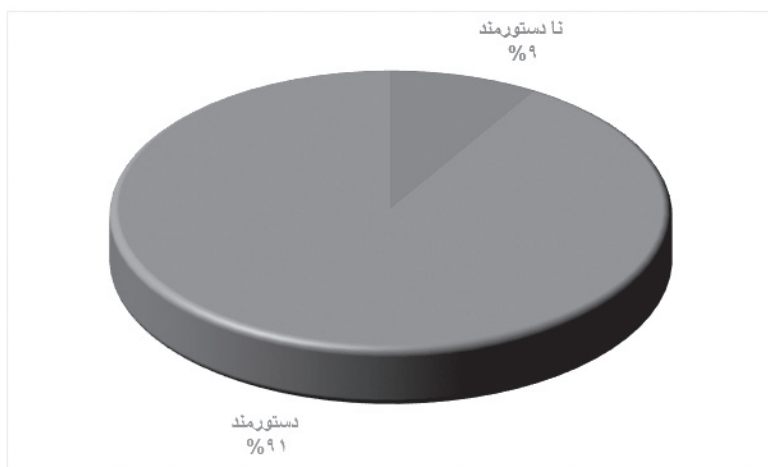
«جمله‌ای است که در آن، اجزای کلام، نظم طبیعی و ترکیب مستقیم خود را داشته باشد، به عبارت دیگر مطابق دستور، یعنی دستورمند باشد» (انوری و... ۱۳۸۵: ۳۱۲). جملات دارای نظم طبیعی بوده و جملات نادرست‌مند در داستان کم‌تر وجود دارد.

۳-۱۲- جمله نادرست‌مند (غیرمستقیم):

«جمله‌ای است که در آن، اساس نظم طبیعی و آیین ترکیب اجزا و ارکان به هم

خورده باشد» (همان: ۳۱۲). در شیوه عادی زبان، ترتیب اجزای جمله در جای خود بوده و همیشه نهاد در ابتدا و گزاره در انتهای جمله قرار می‌گیرد. در پاره‌ای از جملات ما شاهد تقدیم بعضی از اجزای جمله هستیم؛ مثلاً در بعضی از جملات فعل بر سایر اجزای جمله مقدم می‌شود. در دیالوگ شخصیت‌های داستان بیشتر این نظم و ترتیب به هم می‌خورد. بیشترین بسامد مربوط به جملات دستورمند است و جملات بیشتر به صورت دستورمند بیان شده است. «جملات مردانه دستوری تر است و نشان‌دهنده زبان جنسیتی در خانواده است که به تفکیک نقش‌ها بر محور قدرت مردانه اشاره دارد» (بهمنی مطلق و...، ۱۳۹۱: ۵۹-۴۳).

جملات دستورمند ۹۱٫۲۵٪؛ جملات نادرست‌ورمند ۸٫۷۴٪



نمودار ۳-۱۲- بسامد جملات دستورمند و نادرست‌ورمند

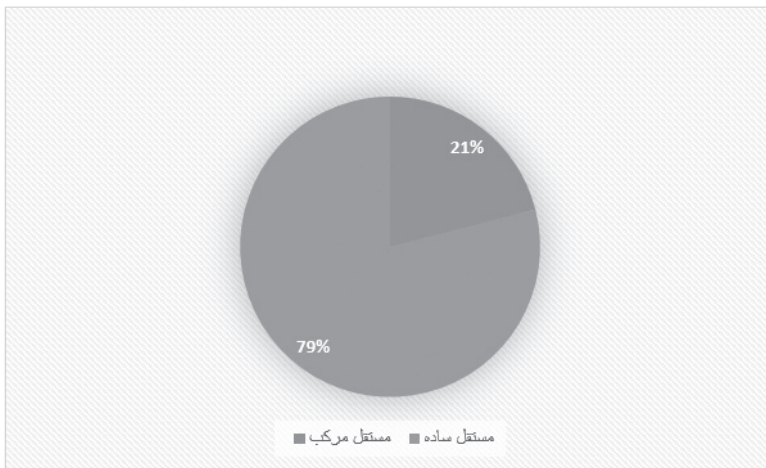
نوع دیگر تقسیم‌بندی جملات به انواع فعلی، اسنادی و بی‌فعل است. جمله فعلی، «به جمله‌ای می‌گویند که از نهاد و فعل تام ساخته شده باشد» (همان: ۳۱۲). جمله اسنادی، «به جمله‌ای می‌گویند که از نهاد، مسند و فعل اسنادی ساخته شده باشد» (همان: ۳۱۳). و جملات بی‌فعل که بیشتر همان شبه‌جمله‌ها می‌باشد. شبه‌جمله، «کلمه‌ای است که متضمن معنی جمله‌ای باشد» (خیامپور، ۱۳۸۶: ۱۰۱).

«در به کار بردن شبه جمله، تکیه و طرز بیان و قرینه خارجی، به گوینده کمک می‌کند تا بتواند منظور خود را برساند» (ارژنگ، ۱۳۷۴: ۴۳).

۳-۱۳- جمله ساده و مرکب

جمله مستقل، «جمله‌ای است که شنونده با شنیدن آن انتظارش برآورده شود و سکوت کند و پرسشی در برابر آن نداشته باشد» (همان: ۳۱۳). «جمله ساده يك فعل دارد» (وحیدیان کامیار، ۱۳۸۰: ۱۱). جمله مرکب، «جمله‌ای است که در آن بیش از يك فعل به کار رفته باشد» (همان: ۳۱۴). جملات این داستان ساده بوده و اکثر جملات از نوع مستقل است.

جملات مستقل ساده ۷۸٫۹۷٪؛ جملات مستقل مرکب ۲۱٫۰۲٪



نمودار ۳-۱۳- بسامد جملات مستقل ساده و مرکب

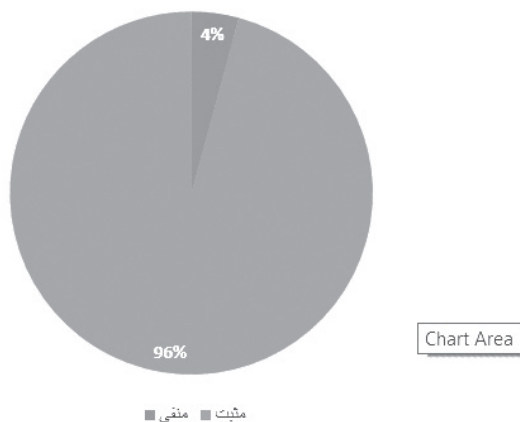
۳-۱۳-۱- جملات ساده: جملات داستان بیشتر به صورت ساده است. جمله ساده دو جزئی، «جمله‌های دو جزئی، دارای دو جزء اصلی‌اند و فعل این جمله‌ها ناگذراست» (بصیریان، ۱۳۹۰: ۳۷). جمله‌های سه جزئی، «بعضی از فعل‌ها افزون بر نهاد، به يك جزء دیگر نیاز دارند تا يك جمله‌ی کامل بسازند. این جزء می‌تواند

مفعول، متمم یا مسند باشد» (بصیریان، ۱۳۹۰: ۴۰). بیشتر جملات این داستان از نوع دو جزئی و سه جزئی است.

۳-۱۴- جملات مثبت و منفی

جمله مثبت، «جمله‌ای است که وقوع امری یا داشتن و پذیرفتن حالتی را خبر دهد یا طلب کند» (انوری و...، ۱۳۸۵: ۳۱۷). جمله منفی یا سلبی، «جمله‌ای است که بر عکس جمله مثبت، وقوع امری یا داشتن و پذیرفتن حالتی را نفی یا سلب نماید و یا عدم آن را طلب کند» (انوری و...، ۱۳۸۵: ۳۱۷).

جملات مثبت ۹۵٫۷۷٪ ؛ جملات منفی ۴٫۲۲٪



نمودار ۳-۱۴- بسامد جملات مثبت و منفی

۳-۱۵- جمله پایه و پیرو

جمله پایه، «آن قسمت از جمله مرکب است که غالباً غرض اصلی گوینده یا نویسنده را در بر دارد و قابل تأویل به غیر جمله نیست» (انوری و...، ۱۳۸۵: ۳۱۵). «دیگه بچه‌ها تم فهمیدن که چرا این طور دم افطار سگ می‌شی...» (آل احمد، ۱۳۹۰: ۷۴). «جمله وابسته به دنبال همه وابسته‌های پسین در گروه اسمی ظاهر می‌شود»



(مشکوه الدینی، ۱۳۸۱: ۱۶۸). «و بخشی که حرف ربط ندارد جمله هسته یا پایه است» (همان: ۳۱۶).

جمله پیرو، «آن جزء از جمله مرکب است که همراه جمله پایه می‌آید و وابسته به جمله پایه است یعنی مفهومی از قبیل زمان، شرط، علت و جز آن به مفهوم جمله پایه می‌افزاید و قابل تأویل به مصدر یا صفت است» (انوری و...، ۱۳۸۵: ۳۱۵). «و همانطور که دختر می‌دوید، یکی محکم به پشتش زد» (آل احمد، ۱۳۹۰: ۶۸).

[پایه] کسی به آنچه پدر گفت توجهی نکرد [پایه] (همان: ۶۷).

[پایه] با دستمالی که روی شاخه انار بود خشک کرد [پایه] (همان: ۶۵).

۱۶-۳- جمله معترضه

جمله معترضه، «جمله‌ای است که در ضمن جمله اصلی می‌آید و مفهومی چون دعا و نفرین را می‌رساند و یا نکته‌ای را توضیح می‌دهد و اگر حذف کنیم خللی در معنی مفهوم جمله اصلی پدید نمی‌آید» (انوری و...، ۱۳۸۵: ۳۱۷). این داستان جملات معترضه ندارد.

۱۷-۳- جمله پیوسته

جمله پیوسته، «جمله‌هایی هستند که به دنبال هم می‌آیند و از حیث مفهوم با هم ارتباط و پیوستگی دارند، اما همگی جمله‌های مستقل و کامل هستند» (همان: ۳۱۸). ایشان از جملات پیوسته برای بیان داستان استفاده می‌کند که به صورت کوتاه بیان می‌شود. مثال: «صدای مادر می‌لرزید. پدر قرمز شده بود. می‌خواست چیزی بگوید. دهانش بازماند ولی صدایی از آن بیرون نیامد. دیگر طاقش تمام شده بود» (آل احمد، ۱۳۹۰: ۷۴).

۱۸-۳- جملات محاوره‌ای

جملات محاوره‌ای فقط در گفت‌وگوی شخصیت‌ها و دیالوگ‌های داستان دیده می‌شود ولی زبان بقیه جملات محاوره‌ای نیست و به صورت رسمی بیان می‌شود.



«سفره رَم پهن کن!» (آل احمد، ۱۳۹۰: ۷۰). «می‌زاری یه لقمه زهر مار کنیم یا نه؟» (همان: ۷۴). «برو زنبیلو بردار بیار» (همان: ۶۹). «خوبه بذار افطار کنیم» (همان: ۷۳). «از لب رف هم پول برداشت» (همان: ۶۹). «چه افطاری؟ از زهر هلاهم بدتره!» (همان: ۷۳). «بسه دیگه» (همان: ۷۲). «این دست مزد دم افطارشونه؟» (همان: ۷۳). «پس بشقابا کوش، بتول؟!» (همان: ۷۲). «صغرا تو هم باشو دیگه؟» (همان: ۷۳).

۳-۱۹- تنازع جملات

جملات متنازع در این داستان فراوانی زیادی دارد نسبت به کل جملات داستان. مثال: «در حیاط که بسته شد، محکم صدا کرد» (آل احمد، ۱۳۹۰: ۷۴). تنازع بین دو فعل بر سر «در حیاط».

«ولی پدر قرآنش را بست، چراغ را برداشت و توی ایوان آمد» (همان: ۷۳). تنازع بین سه فعل و پدر. در رو ساخت «پدر» یک بار آمده است و در دو جمله بعدی «پدر» حذف شده است. و علی می‌تواند که نهاد برای سه جمله باشد.

«بتول سفره را هم پهن کرد، کاسه یخ را وسط آن گذاشت. قاشق‌ها را چید. نان را تقسیم کرد» (همان: ۷۰). هر سه فعل، بتول را به فاعلیت می‌پذیرند.

۳-۲۰- حذف در جمله

«حذف، عبارت از آن است که کلمه یا جمله‌یی را به قرینه بیندازند و قرینه چیزی است که دلیل و نشان بر محذوف باشد» (شمیسا، ۱۳۸۰: ۲۴۳). حذف به قرینه لفظی، «آن است که در خود جمله یا جمله پیشین و یا پسین، لفظی می‌آید که گوینده یا نویسنده به سبب آمدن آن لفظ، آوردن کلمه را لازم نمی‌بیند و آن را حذف می‌کند» (همان: ۳۲۱). به دلیل وجود جملات متنازع در داستان، حذف هم بیشتر از نوع نهاد جمله اتفاق افتاده است.

حذف به قرینه معنوی، «آن است که سیاق کلام و مفهوم کلی جمله‌ها و عبارت‌ها باعث حذف کلمه و یا کلماتی در جمله می‌گردد، نه آمدن لفظ در جمله و عبارت؛

و خواننده، از روی سیاق کلام و مفهوم کلی جمله‌ها کلمه محذوف را در می‌یابد» (همان: ۳۲۱). مثل: «می‌ذاری یه لقمه زهر مار کنیم یا نه!» [ژرف ساخت] در خطاب به زن: ...

«مگه تو گذاشته‌ای؟ از اول ماه تا حالا ...» (آل احمد، ۱۳۹۰: ۷۴). [ژرف ساخت] در خطاب به مرد: ...

۳-۲۰-۱- انواع حذف در جمله‌ها

«ممکن است يك يا دو يا هر سه ركن از جمله‌یی به قرینه حذف شود. و همچنین حذف هر يك از اجزاء فرعی جمله به قرینه رواست» (خزائلی و ...، ۱۳۵۱: ۳۷).

۳-۲۰-۱-۱- حذف فعل

در این داستان در کم‌تر جملات ما شاهد حذف افعال هستیم. فعل‌ها از جملات کم‌تر حذف شده است و جملاتی که حذف شده باشد، فراوانی اندکی دارد. بیشتر فعل‌ها در جملاتی که متضمن نفرین است حذف شده است. مثال: ایش ... ش.

مثال: «بچه‌ها، دو تا دختر، یکی ده دوازده ساله و دیگری کوچک‌تر، توی ایوان، رو به روی مادرشان، به دیوار تکیه داده بودند» (آل احمد، ۱۳۹۰: ۶۶). حذف در جمله اتفاق افتاده و تنازع دارد. این جمله دارای ژرف ساخت‌های زیر می‌باشد:

- بچه‌ها، دو تا دختر بودند.

- یکی دوازده ساله بود و دیگری کوچکتر بود.

- توی ایوان بودند.

- رو به روی مادرشان بودند.

حذف فعل به قرینه لفظی مثل: «بتول تو پاشو! پاشو، سماور رو بذار اون ورتر». پاشو به قرینه لفظی جمله قبل سایر ارکان جمله حذف شده است.

«بسه دیگه ... بسه» [حذف به قرینه لفظی].



حذف به قرینه معنوی مثل: «پدر سوخته‌ها! قبر پدر و مادرتون سگ ...» (همان: ۶۸). جمله‌ها ناقص بیان شده است و دو ژرف ساخت زیر دارد.

- شما دو تا پدر سوخته هستید.

- قبر پدر و مادرتان سگ ... کند.

جمله‌های بی فعل به عنوان نمونه: صوت‌های به کار رفته در داستان: ایش، فیش [رو ساخت] یعنی داری سخت می‌گیری [ژرف ساخت].

مثلا و ضرب‌المثلا به عنوان جمله‌هایی که فعل از آنها حذف شده است وجود ندارد و از این نوع جملات بدون فعل استفاده نشده است.

۳-۲۱- تقدیم فعل

«و آمد توی اتاق» (همان: ۶۵). «و بعد می‌آمد توی اتاق» (همان: ۶۵). «صغرا! پاشو سماور رو ببر اون ور» (همان: ۶۷). [جابجایی اجزا و ارکان جمله].

جملات کوتاه استفاده شده در داستان نشانه صراحت نوشتاری و بیان ایشان است. شخصیت‌های این داستان، حامل افکار و عقاید و نوع دیدگاه آل‌احمد هستند. جملات مستقل، گویا، روشن، ساده و آسان فهم است. خواننده را درگیر فهمیدن جملات از لحاظ دشواری زبان نمی‌کند و خواننده را به سمت محتوای داستان هدایت می‌کند. جملات به صورت پیوسته و با ضرب آهنگی تند و پشت سرهم بیان شده است. بسامد و فراوانی جملات با زمان گذشته در داستان بیشتر است. جملات داستان بیشتر از نوع جملات کوتاه است و بیشترین بسامد مربوط به این نوع جمله است و جملات کوتاه نیز بایکدیگر ارتباط دارند. از جملات بلند کم‌تر استفاده شده است. جملات منفی در داستان کم بسامد است و بسامد اندکی نسبت به جملات مثبت دارد. جملات خبری فراوانی بیشتری نسبت به انواع دیگر جملات سؤالی، عاطفی و ندایی دارد. جملات به یکدیگر پیوسته بوده و به صورت کوتاه بیان می‌شوند. در نتیجه حذف به قرینه لفظی، تنازع اتفاق افتاده است. حذف به قرینه معنوی بسامد کم‌تری نسبت به حذف به قرینه لفظی دارد. جملات طنز، ضرب‌المثل، تمثیل و کنایات در این داستان وجود ندارد و جملات دعایی و نفرین نیز استفاده نشده و فقط دو مورد جمله عربی و قرآنی در داستان وجود دارد. جملات ضرب آهنگی تند و سریع به ذهن القا می‌کند. جملات ساده و روشن است. ایجاز و صراحت بیان از دیگر ویژگی‌های جملات این داستان است. جملات با سگته و نقطه از هم جدا شده است البته از حروف ربط هم به صورت محدود جهت ارتباط بین جملات استفاده شده است. او در این داستان به گونه‌ای به نقد و شرح می‌پردازد که گویی این وقایع را از نزدیک تجربه کرده و دیده است. جملات از حیث فعل نیز به ترتیب فراوانی عبارت‌اند از: جملات فعلی، جملات اسنادی و جملات بی‌فعل. ساختمان نحوی جملات ساده است. جملات داستان به صورت معلوم به کار رفته است که بخشی از جملات معلوم از زبان شخصیت‌ها و در نتیجه دیالوگ‌ها می‌باشد. نویسنده از کاربرد جملات طولانی پرهیز کرده است. معنا و مفهوم جملات روشن است. جملات از نوع ساده و مرسل انتخاب شده است. جملات ابهام ندارد و خواننده يك پیام روشن از آن برداشت می‌کند. تعقید



و پیچیدگی ندارد که فهم جملات برای خواننده دشوار باشد. دیالوگ‌های بین شخصیت‌ها دارای زبان محاوره‌ای است در حالی که روایت داستان زبان معیار و رسمی است. جملات داستان واقع‌گراست و واقعیت‌های داستان را نقل می‌کند. در بیان نقل حوادث بر عینی‌گرایی تکیه دارد. جملات در گفت‌وگوی شخصیت‌ها حالت مضارع به خود می‌گیرد در حالی که سایر زمان جملات در زمان ماضی سیر می‌کند. روایت داستان از گذشته به حال است.

۵- منابع

- ۱- آل احمد، جلال (۱۳۹۰). سه تار، چاپ دوم. قم: ژکان.
- ۲- انوری، حسن و ... (۱۳۸۵). دستور زبان فارسی ۲. تهران: فاطمی.
- ۳- ارژنگ، غلامرضا (۱۳۷۴). دستور زبان امروز، چاپ اول. تهران: قطره.
- ۴- باطنی، محمدرضا (۱۳۴۸)؛ توصیف ساختمان دستوری زبان فارسی. تهران: امیرکبیر.
- ۵- بصیریان، حمید (۱۳۹۰)؛ دستور زبان فارسی، چاپ اول. قم: مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفی.
- ۶- پارسی نژاد، کامران (۱۳۸۹)؛ جلال آل احمد. چاپ دوم. تهران: خانه کتاب.
- ۷- خزائلی، محمد، میرمیرانی، سیدضیاءالدین (۱۳۵۱)؛ دستور زبان فارسی. چاپ اول. تهران: سازمان چاپ و انتشارات جاویدان.
- ۸- خیامپور، عبدالرسول (۱۳۸۶)؛ دستور زبان فارسی، چاپ سیزدهم. تبریز: ستوده.
- دستغیب، عبدالعلی (۱۳۷۱)؛ نقد آثار جلال آل احمد، چاپ اول. تهران: ژرف.
- ۹- دهباشی، علی (۱۳۷۸)؛ یادنامه جلال آل احمد. چاپ اول. تهران: شهاب ثاقب.
- ۱۰- رضائی، مهدی (۱۳۹۲)؛ دستور زبان فارسی. چاپ اول. تهران: میترا.
- ۱۱- نفیسی و دیگران (۱۳۸۰)؛ دستور زبان فارسی (پنج استاد)، چاپ ششم. تهران: فردوس.
- ۱۲- علامه فلسفی، احمد (۱۳۸۱)؛ روش نوین دستور زبان فارسی، چاپ اول. تهران: پیام آزادی.
- ۱۳- فتوحی، محمود (۱۳۹۱)؛ سبک‌شناسی نظریه‌ها، رویکردها و روش‌ها. چاپ اول. تهران: سخن.
- ۱۴- مشکوٰۃ‌الدینی، مهدی (۱۳۸۱)؛ دستور زبان فارسی بر پایه نظریه‌ی گشتاری. مشهد: دانشگاه فردوسی مشهد.
- ۱۵- مهرآوران، محمود (۱۳۹۱)؛ دستور کاربردی زبان فارسی. قم: مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفی.
- ۱۶- نجفی، ابوالحسن (۱۳۷۱)؛ مبانی زبان‌شناسی و کاربرد آن در زبان فارسی. تهران: نیلو فر.
- ۱۷- وحیدیان کامیار، تقی (۱۳۸۰)؛ دستور زبان فارسی (۱)، چاپ دوم. تهران: سمت.
- ۱۸- وفایی، عباسعلی (۱۳۹۰)؛ دستور کاربردی متن ادبی، چاپ اول. تهران: سخن.

- ۱۹- بهمنی مطلق، یدالله، باقری، نرگس (۱۳۹۱)؛ «مقایسه زبان زنان در آثار سیمین دانشور و جلال آل احمد»، فصلنامه زن و فرهنگ، شماره یازدهم، سال سوم، صفحه ۴۳-۵۹.
- ۲۰- یدالله بهمنی مطلق، نرگس باقری (۱۳۹۱)؛ «مقایسه زبان زنان در آثار سیمین دانشور و جلال آل احمد»، فصلنامه زن و فرهنگ، سال دوم، شماره یازدهم، صص ۴۳-۵۹.
- ۲۱- علی پورگسگری، بهناز (۱۳۸۹)؛ «اندیشه‌های جلال آل احمد در آیین‌ها داستان‌هایش»، کتاب ماه ادبیات، شماره ۴۴ (پیاپی ۱۵۸).